

با کاروان حسینی از مدینه تا مدینه

جلد اول

## امام حسین (ع) در مدینه منوره

نویسنده: علی الشاوی

مترجم: عبدالحسین بینش

نمایندگی ولی فقیه در سپاه

پژوهشکده تحقیقات اسلامی

الشاوی، علی، ۱۳۳۰ -

باکاروان حسینی از مدینه تا مدینه / نویسنده علی الشاوی؛ تهیه کننده: پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه؛ ترجمه عبدالحسین بینش. - قم: زمزم هدایت، ۱۳ X X.

ج. - (مجموعه موضوعی: ۱)

ISBN 978 - 964 - 2854 - 14 - 1 (۱. ج): ۳۰۰۰۰ ریال

ISBN 978 - 964 - 2854 - 15 - 8 (۲. ج): ۲۵۰۰۰ ریال

ISBN 964 - 94742 - 6 - 9 (۳. ج): ۱۲۰۰۰ ریال

ISBN 964 - 8769 - 19 - 2 (۴. ج): ۲۰۰۰۰ ریال

ISBN 964 - 8769 - 20 - 6 (۵. ج): ۹۰۰۰۰ ریال

عنوان اصلی: مع الרכب الحسینی من المدینة الى المدینة.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما.

فهرست نویسی بر اساس جلد سوم، ۱۳۸۳.

ناشر جلد ۴ و ۵: زمزم هدایت.

۱. حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴. ۶۱ ق. ۲. واقعه کربلا، ۶۱ ق. الف. بینش، عبدالحسین، ۱۳۲۵ - مترجم ب. سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، پژوهشکده تحقیقات اسلامی ج. عنوان.

۲۹۷/۹۵۲

BP ۴۱/۴ ط ۲۷ م ۴۱

م ۸۳ - ۲۵۲۶

کتابخانه ملی ایران

زمزم  
هدایت

باکاروان حسینی از مدینه تا مدینه جلد اول

ترجمة مع الרכب الحسینی من المدینة الى المدینة

موضوع: تاریخ

نویسنده: علی الشاوی

مترجم: عبدالحسین بینش

تهیه کننده: پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

ناشر: زمزم هدایت

چاپ: زیتون

حروفچینی و صفحه آرایی: پژوهشکده تحقیقات اسلامی

نوبت چاپ: دوم

تاریخ انتشار: بهار ۱۳۸۶

تیراژ: ۲۰۰۰

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۸۵۴ - ۱۴ - ۱

مرکز پخش: خیابان شهید فاطمی (دور شهر)، نبش فاطمی ۳، انتشارات زمزم هدایت تلفکس ۷۷۳۰۷۳۵

## فهرست مطالب

|                |    |
|----------------|----|
| پیشگفتار.....  | ۱۱ |
| مقدمه.....     | ۱۷ |
| پیش درآمد..... | ۳۱ |

### مقاله نخست: جریان نفاق... مطالعه‌ای در ماهیت و دستاوردها

|                                      |    |
|--------------------------------------|----|
| تعریف.....                           | ۳۳ |
| سردمدار خاطیان از آغاز تا پایان..... | ۳۴ |
| شاخص‌های جریان نفاق.....             | ۴۱ |
| ۱- حزب سلطه.....                     | ۴۱ |
| ۲- منافقان اهل کتاب.....             | ۵۰ |
| ۳- منافقان ساکن مدینه.....           | ۵۹ |
| ۴- حزب اموی.....                     | ۶۲ |

## نقطه عطف‌های اساسی و دستاوردها

|    |                                                      |
|----|------------------------------------------------------|
| ۷۳ | ۱- سقیفه                                             |
| ۷۹ | -نتایج سقیفه                                         |
| ۸۰ | (۱) عزل وصی شرعی                                     |
| ۸۰ | (۲) در تنگنا قرار دادن اهل بیت (علیهم‌السلام)        |
| ۸۰ | (۳) منح بنی‌هاشم از تصدی پست‌های حکومتی              |
| ۸۱ | (۴) بازگذاشتن دست‌اموی‌ها در تصدی پست‌های حکومتی     |
| ۸۱ | (۵) حیات مجدد روحیه قبیله‌گرایی                      |
| ۸۲ | (۶) محاصره آشکار سنت نبوی                            |
| ۸۴ | (۷) ضعف معنوی و روحی                                 |
| ۸۷ | ۲- خلافت عمر بن خطاب                                 |
| ۸۸ | ۲-۱- مبنای عمر در عطا                                |
| ۸۹ | ۲-۲- شورا                                            |
| ۹۱ | ۲-۳- دستاوردهای شورا                                 |
| ۹۱ | (۱) استمرار برکناری وصی شرعی                         |
| ۹۱ | (۲) استیلای حزب اموی بر حکومت                        |
| ۹۱ | (۳) تأثیر شورا بر روحیه انصار                        |
| ۹۱ | (۴) طمع‌ورزی آشکار در خلافت                          |
| ۹۲ | (۵) اوج گرفتن منطق قبیله‌ای سقیفه                    |
| ۹۳ | ۳- خلافت عثمان                                       |
| ۹۵ | پیامدهای دوران عثمان                                 |
| ۹۵ | (۱) گسترش شکاف طبقاتی                                |
| ۹۶ | (۲) گشایش باب کشت و کشتار میان امت برای همیشه روزگار |
| ۹۷ | (۳) ضعف معنوی و روحی امت                             |

|     |                                                                          |
|-----|--------------------------------------------------------------------------|
| ۹۸  | ۴- دوران معاویه.....                                                     |
| ۹۹  | دستاوردهای دوران معاویه.....                                             |
| ۹۹  | (۱) تبدیل شدن حکومت از خلافت به پادشاهی.....                             |
| ۱۰۰ | (۲) محو کامل فضایل اهل بیت علیهم السلام و جعل عیب برای آن بزرگواران..... |
| ۱۰۵ | (۳) گمراهی قاطبه امت بر اثر انحراف‌های دینی امویان.....                  |
| ۱۰۹ | (۴) فشار بر شیعه.....                                                    |
| ۱۱۱ | (۵) تقسیم امت اسلامی به قبایل و طبقات اجتماعی.....                       |
| ۱۱۴ | (۶) ضعف معنوی و روحی امت.....                                            |

### مقاله دوم: در پیشگاه شهید پیروز

|     |                                         |
|-----|-----------------------------------------|
| ۱۲۳ | شهید پیروز از ویژگی‌های حسینی.....      |
| ۱۲۶ | منطق شهید پیروز.....                    |
| ۱۲۶ | دورنمای پیروزی حسینی.....               |
| ۱۲۷ | عصر عاشورا.....                         |
| ۱۲۷ | ۱- جدایی میان امویت و اسلام.....        |
| ۱۵۱ | ۲- عاشورا: آغاز فروپاشی حکومت اموی..... |
| ۱۵۱ | ۱- ۲- قیام عبدالله بن عقیف آزدی.....    |
| ۱۵۲ | ۲- ۲- قیام مدینه.....                   |
| ۱۵۲ | ۳- ۲- قیام تواین.....                   |
| ۱۵۳ | ۴- ۲- قیام مختار.....                   |
| ۱۵۳ | ۵- ۲- قیام زید بن علی.....              |
| ۱۵۵ | مقطع پس از عاشورا تا دوران ظهور.....    |
| ۱۵۸ | مقطع دوران ظهور.....                    |

## باب نخست

### کاروان حسینی از مدینه منوره تا مکه مکرمه

|                                                                                                 |     |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| فصل اول - امام حسین <small>علیه السلام</small> پس از برادرش امام حسن <small>علیه السلام</small> | ۱۶۵ |
| منزلت امام حسین <small>علیه السلام</small> میان امت                                             | ۱۶۵ |
| خبر دادن از شهادت خود                                                                           | ۱۷۰ |
| غائله روز نخست                                                                                  | ۱۷۷ |
| دیدگاه امام حسین <small>علیه السلام</small> درباره صلح برادرش با معاویه                         | ۱۸۱ |
| راه‌های موجود فراروی امام حسین <small>علیه السلام</small>                                       | ۱۸۴ |
| راست‌گویی ابو محمد                                                                              | ۱۸۶ |
| امام <small>علیه السلام</small> و تداوم بر پایبندی به صلح                                       | ۱۸۹ |
| موضع‌گیری معاویه نسبت به امام حسین <small>علیه السلام</small>                                   | ۱۹۰ |
| ادعای «خون محترم در میان بنی عبد مناف» و حقیقت آن                                               | ۱۹۰ |
| مراقبت شدید از امام <small>علیه السلام</small>                                                  | ۱۹۲ |
| خط مشی‌های کلی در نامه‌های معاویه به امام <small>علیه السلام</small>                            | ۱۹۶ |
| دلیل قیام نکردن امام حسین <small>علیه السلام</small> علیه معاویه                                | ۱۹۸ |

### فصل دوم: روش امام حسین علیه السلام در دوران معاویه

|                                                                                             |     |
|---------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| ۱- دعوت به حق و دفاع از آن                                                                  | ۲۱۰ |
| ۱-۱- شناساندن منزلت، فضیلت و معرفت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>                      | ۲۱۱ |
| ۱-۲- موقع‌شناسی برای نشر حقایق                                                              | ۲۱۸ |
| ۱-۳- احتجاج با عالمان و دعوتشان برای یاری حق                                                | ۲۲۳ |
| ۱-۴- احتجاج امام <small>علیه السلام</small> با معاویه و بنی امیه                            | ۲۲۶ |
| ۲- نگهداری امام <small>علیه السلام</small> از امت، به‌ویژه از شیعیان                        | ۲۳۶ |
| ۲-۱- توجه به شیعیان و سرپرستی آنان                                                          | ۲۴۱ |
| ۳- قاطعیت امام <small>علیه السلام</small> در خودداری از پذیرش خلافت یزید و بیعت نکردن با او | ۲۴۵ |
| ۴- جعل روایت درباره سیره امام حسین <small>علیه السلام</small>                               | ۲۵۷ |

## فصل سوم: داستان آغاز انقلاب

|     |                                           |
|-----|-------------------------------------------|
| ۲۷۳ | مرگ معاویه                                |
| ۲۸۲ | شخصیت یزید بن معاویه                      |
| ۲۹۰ | خبر در مدینه                              |
| ۲۹۴ | فراخوانی و مشاوره در مسجد                 |
| ۳۰۱ | دیدار صوری و اعلام نپذیرفتن بیعت          |
| ۳۰۴ | درنگ و نگرش                               |
| ۳۰۴ | ۱- نقشه نظامی برای حفاظت جان امام علی (ع) |
| ۳۰۶ | ۲- دلیل تقاضای بیعت علنی امام علی (ع)     |
| ۳۰۷ | ۳- مروان و هدف دوگانه                     |
| ۳۰۹ | ۴- شخصیت ولید بن عتبه                     |
| ۳۱۳ | ۵- همگام با نخستین عامل انقلاب حسینی      |

## فصل چهارم: آغاز سفر «پیروزی با شهادت»

|     |                                                         |
|-----|---------------------------------------------------------|
| ۳۲۰ | چرا امام حسین (ع) در مدینه نماند؟                       |
| ۳۲۲ | واپسین شب‌های حضور در مدینه                             |
| ۳۲۶ | آخرین دیدارها در مدینه                                  |
| ۳۲۶ | سوگواری زنان بنی عبدالمطلب                              |
| ۳۲۹ | سوگواری اهل المؤمنین، ام سلمه (رض)                      |
| ۳۲۹ | ام سلمه و خداحافظی‌ها                                   |
| ۳۳۰ | عمر اطراف و منطق مدارا و عاقبت‌طلبی                     |
| ۳۳۱ | محمد بن حنفیه، نصیحت و وصیت                             |
| ۳۳۳ | درنگ و نگرش                                             |
| ۳۳۳ | امام علی (ع) در مدینه از قتلگاه خود در عراق سخن می‌گوید |
| ۳۳۵ | مهم‌ترین عامل قیام حسینی                                |

|     |                                                                                         |
|-----|-----------------------------------------------------------------------------------------|
| ۳۳۹ | ..... سیره اصلاح                                                                        |
| ۳۴۰ | ..... خروج از مدینه، چرا شبانه؟                                                         |
| ۳۴۲ | ..... پافشاری بر حرکت در شاهراه                                                         |
| ۳۴۵ | ..... کاروان حسینی بیرون مدینه                                                          |
| ۳۴۵ | ..... بنی هاشم                                                                          |
| ۳۴۶ | ..... دیگر یاران                                                                        |
| ۳۴۷ | ۱- عبدالله بن یقطر حمیری                                                                |
| ۳۴۷ | ۲- سلیمان بن رزین غلام امام حسین <small>علیه السلام</small>                             |
| ۳۴۸ | ۳- أسلم بن عمرو، غلام امام حسین <small>علیه السلام</small>                              |
| ۳۴۸ | ۴- قارب بن عبدالله دثلی، غلام امام حسین <small>علیه السلام</small>                      |
| ۳۴۸ | ۵- منجج بن سهم، غلام امام حسین <small>علیه السلام</small>                               |
| ۳۴۹ | ۶- سعد بن حرث خزاعی، غلام علی <small>علیه السلام</small>                                |
| ۳۴۹ | ۷- نصر بن ابی نیزر، غلام علی <small>علیه السلام</small>                                 |
| ۳۴۹ | ۸- حرث بن نبهان، غلام حمزه بن عبدالمطلب                                                 |
| ۳۵۰ | ۹- جون بن حوی، غلام ابی ذر غفاری                                                        |
| ۳۵۰ | ۱۰- عقبه بن سمعان                                                                       |
| ۳۵۱ | ..... دیدارهای میان راه                                                                 |
| ۳۵۲ | ..... دیدار امام <small>علیه السلام</small> با فوج های فرشتگان و مؤمنان جن              |
| ۳۵۳ | ..... یک نکته                                                                           |
| ۳۵۵ | ..... یارانی که از منازل جبهه به کاروان حسینی پیوستند                                   |
| ۳۵۵ | ..... آیا ابن عباس و ابن عمر در راه مکه با امام <small>علیه السلام</small> دیدار کردند؟ |
| ۳۵۸ | ..... دیدار با عبدالله بن مطیع عدوی                                                     |
| ۳۶۰ | ..... عبدالله بن مطیع عدوی کیست؟                                                        |
| ۳۶۲ | ..... آیا در آستانه کوچ امام <small>علیه السلام</small> از مدینه نامه ای به ایشان رسید؟ |
| ۳۶۴ | ..... در آستانه مکه مکرمه                                                               |
| ۳۶۷ | ..... فهرست منابع                                                                       |



## پیشگفتار

الحمد لله الذي جعل الحمد مفتاحا لذكره ودليلا على نعمه وآلاته والصلاة والسلام على أشرف الخلائق محمد وآله الطيبين الطاهرين.

جهان اسلام در قرن چهاردهم هجری پدیده‌ای به شکوه و جلال و تابناکی و عظمت و اهمیت انقلاب اسلامی ایران به رهبری مرجع بزرگ دینی، حضرت آیه الله العظمی، سید روح الله موسوی خمینی رحمه الله ندید.

این پدیده بزرگ دیدگان جهانیان، به ویژه مسلمانان را خیره ساخت و هر کس به اندازه شناخت خود از آن متأثر گشت. آرزوی بازگشت به حاکمیت اسلام، بار دیگر در جان امت اسلامی برانگیخته شد و ضعف و نومیدی جایش را به قدرت و امیدواری داد. پایه‌های حکومت‌های مزدور در جای جای سرزمین‌های اسلامی از بیم قیام‌های مردمی به لرزه درآمد؛ و مستضعفان جهان، انقلاب اسلامی را بهترین الگو برای رهایی از چنگ استعمارگران و طاغوت‌ها یافتند؛ و مستکبرانی که دستاوردهای این انقلاب مقدس لرزه بر اندامشان افکنده است، شتابان بر آن شدند تا در تنگنا قرارش دهند و آن را از میان ببرند. همچنین در دو دهه اخیر، جهان، به ویژه جهان اسلام، شاهد دگرگونی‌های بزرگی بوده است که پیروزی انقلاب اسلامی ایران را باید مهم‌ترین عامل، یا دست کم یکی از عوامل مهم، این دگرگونی‌ها دانست.

طبیعی بود که این انقلاب از همان آغاز پیروزی در همه زمینه‌ها، به ویژه جنبه فکری، ماهیت خود را بشناساند و نشان بدهد که فداکاری و جانبازی را از امام حسین علیه السلام و قیام عاشورا الهام گرفته است. انقلاب اسلامی، به حق، یکی از برکت‌ها و دستاوردهای فراوان قیام مقدس عاشورا و از مصداق‌های بارز «پیروزی حسینی» در فاصله میان عاشورا تا دوران ظهور است. اگر عاشورا نبود، این انقلاب مقدس هم نبود. چنان که امام خمینی علیه السلام در تصویر این حقیقت می‌فرماید: «ما هر چه داریم از عاشورا داریم».

این که سازمان‌های استکبار جهانی و دست‌پرورده‌های فکری و سیاسی‌شان، تهاجمی فکری را علیه اسلام و به ویژه مذهب اهل بیت علیهم السلام و هویت اسلامی این انقلاب تدارک ببینند، دور از انتظار نبود. تهاجمی همه سویه که نقشه آن با دقت کامل از سوی استکبار تهیه شده است و جنبه‌های گوناگون زندگی امت اسلامی را در همه جای دنیا و به ویژه در ایران دربر می‌گیرد.

بادرک اهمیت و خطر این موضوع است که رهبری خردمندانه انقلاب اسلامی، بر استمرار راه انقلاب در همه ابعاد و زمینه‌ها، به ویژه بُعد فرهنگی، که نمایانگر هویت انقلاب است، تأکید می‌ورزد. هویتی که به مرزهای جغرافیایی یا موانع سیاسی محدود نمی‌شود؛ و با اقتدار در مقابله با تهاجم فرهنگ الحادی قرار دارد که در طول تاریخ طوفان‌های سهمگین آن، جهان اسلام را بیرحمانه درنور دیده است.

نگرشی به خطابه‌ها و بیانات امام خمینی علیه السلام و آیت الله سید علی خامنه‌ای، تأکید بر این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد، به ویژه در روزگار کنونی که نیروی تهاجم فرهنگی الحادی چند برابر شده و دستگاه‌های تبلیغاتی آن با روش‌های نوین و پرت‌و گوناگون و فراگیر خود بر همه جهان پنجه افکنده است. بدون شک برای رویارویی با چنین دستگاهی و به منظور رساندن پیام هدایت اسلامی و فطرت انسانی به همه دل‌های مشتاق، نیازمند آنیم که روش‌های گوناگون تبلیغی و هنری را به کار بندیم؛ باشد که این دل‌های پاک از سر اخلاص به خدای روی آورند و با تدبیر و آگاهی، از بند حیل‌های شیطانی برهند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، این مولود مبارک انقلاب، که با سر مشق گرفتن از فداکاری، جانبازی و شهادت‌طلبی حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، حفظ دستاوردهای

انقلاب را در برابر دشمنان داخل و خارج به عهده دارد و پیام‌های کربلا و عاشورا را لبیک می‌گوید می‌بایست خواست رهبری انقلاب اسلامی را مبنی بر استمرار انقلاب فرهنگی، پیش‌تر و شتابان‌تر از دیگران به اجرا درآورد. زیرا به اهمیت نقش سخن، اندیشه و شناخت، در تثبیت و توضیح اصول و خاستگاه‌ها و نشر انقلاب اسلامی، در دعوت به حق و عدالت و دفاع از آن، در کنار آماده‌سازی ساز و برگ نظامی، که موجب ترس دشمنان خدا و دشمنان مؤمنان می‌گردد، به خوبی آگاه است. از این رو نهادهای فرهنگی و علمی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در نشر فرهنگ و تربیت اسلامی در جامعه، به ویژه میان نیروهای سپاه، نقشی به سزا داشته و دارد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با ایمان و اعتقاد کامل به راه حسینی، که مهم‌ترین عامل پیروزی انقلاب بود و رهبری انقلاب و ملت مسلمان ایران در جهاد و درهم کوبیدن فساد و ستم و کفر بدان تکیه کردند؛ و نیز با احساس ضرورت گسترش فرهنگ عاشورا در میان نیروهای سپاه و عموم امت اسلامی و نیز ادای دینی که امام حسین بر گردن فرزندان این انقلاب دارد، اقدام به تأسیس «مدیریت ویژه تحقیقات عاشورا» در مرکز تحقیقات اسلامی سپاه نمود. مأموریت این مدیریت توجه به گسترش میراث حسینی، ترویج فرهنگ عاشورا، ارائه تحقیقات جدید در ارتباط با تاریخ انقلاب حسینی در ابعاد و زمینه‌های گوناگون؛ و احیای آثار علمی، تاریخی و ادبی مربوط به تاریخ زندگانی امام حسین علیه السلام می‌باشد.

از کارهای آغاز شده در این مدیریت «کتاب‌شناسی توصیفی تاریخ زندگانی امام حسین علیه السلام و قیام عاشورا» می‌باشد که در سه بخش است و به معرفی و توصیف ۱۲۰ کتاب مهم مربوط به زندگانی امام حسین و قیام عاشورا را در بر دارد. این کتاب بر طبق تاریخ تألیف کتاب‌ها تنظیم شده است و معرفی هر کتاب دو تا چهار صفحه از آن را به خود اختصاص داده است.

همچنین این مدیریت برای معرفی قیام عاشورا، اقدام به تألیف کتاب‌هایی با شیوه‌های گوناگونی کرده است که از آن جمله «پیام‌های عاشورا»؛ «زمینه‌های انقلاب حسینی» و «دستاوردهای قیام عاشورا» را می‌توان نام برد که «پیام‌های عاشورا» چاپ شده است.

چاپ تحقیقی کتاب «ابصار العین فی أنصار الحسین (علیه السلام)» از دیگر کارهایی است که این مدیریت در چارچوب احیای آثار حسینی، بدان پرداخته است.

از کارهای تحقیقی مهمی که این مرکز افتخار تهیه و تقدیم آن به فرهنگ اسلام، به ویژه فرهنگ حسینی را دارد، پژوهشی تاریخی، تحلیلی و انتقادی مفصل و نوینی است با عنوان «باکاروان حسینی از مدینه تا مدینه»، این پژوهش تاریخ دوران امامت امام حسین (علیه السلام) و پیش آمدهای مربوط به باقیمانده خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، پس از شهادت امام تا بازگشت مجدد کاروان حسینی به مدینه را که با قیام عاشورا ارتباطی تنگاتنگ دارد، دربر می گیرد.

از آن جا که برای نگارش کامل قیام حسینی، ناگزیر زمینه ها و اسباب و علل این قیام را، هر چند به طور اجمال، باید شناخت، این پژوهش دوران پنجاه ساله پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تا سال شصت هجری را در گفتاوی با عنوان «جریان نفاق، مطالعه ای در ماهیت و آثار آن»، مورد بررسی قرار داده و طی آن موضوع های زیر را به بحث گذاشته است: تعریف نفاق، سرمدمدار خاطیان از آغاز جریان نفاق تا پایان آن، شاخه های نفاق و نقطه عطف های اساسی پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و دستاوردها. این گفتار به عنوان پیش درآمد کتاب به خوانندگان عزیز تقدیم شده است.

شایان ذکر است که پژوهش «باکاروان حسینی از مدینه تا مدینه» را به شش مقطع زیر تقسیم کرده و هر مقطع را به عهده یکی از محققین قرار داده ایم.

- ۱- تاریخ وقایع حضور امام حسین (علیه السلام) در مدینه تا حرکت به مکه مکرمه؛
- ۲- تاریخ حضور امام حسین (علیه السلام) در مکه مکرمه؛
- ۳- تاریخ وقایع حرکت امام (علیه السلام) از مکه تا کربلا؛
- ۴- تاریخ وقایع حضور امام (علیه السلام) در کربلا تا شهادت؛
- ۵- تاریخ وقایع کاروان حسینی، پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) تا رسیدن به شام؛
- ۶- تاریخ وقایع کاروان حسینی در شام و در فاصله شام تا ورود به مدینه.

ما بر این باوریم که یک پژوهش تحلیلی گسترده و همه جانبه از عهده یک تن، آن هم در زمانی محدود، ساخته نیست. هر چند که شخص در پژوهش و تتبع مهارت کامل داشته باشد، درک و آگاهی تاریخی عالی ای داشته از قدرت تحلیل قوی برخوردار باشد؛

و در فهم مطالب خارج از متن و تشخیص قضایای پنهان و امور پراکنده از دریافتی ظریف برخوردار باشد.

چراکه پژوهشگر، هر چند برخوردار از همه ویژگی‌های عالی، کم پیش می‌آید که در بستر پژوهشی ژرف و همه جانبه و دارای زوایای گوناگون، از ورطه‌های غفلت و لغزشگاه‌های شتاب مصون بماند یا اختصار و تفصیل را در همه جا رعایت کند؛ یا بتواند با وجود عوامل بازدارنده فراوان بحث را به کمال برساند، به‌ویژه هنگامی که در تنگنای زمانی قرار داشته باشد.

از این رو انجام این پژوهش مفصل تاریخی، «با کاروان حسینی، از مدینه تا مدینه»، بر عهده شش تن از برادران پژوهشگر خبره و ماهر زیر گذاشته شد: استاد علی‌الشاوی، شیخ نجم‌الدین طبسی، شیخ محمد جواد طبسی، شیخ عزت‌الله مولانی، شیخ محمدجعفر طبسی، شیخ محمد امین پورامینی. برای آن که هم از امتیاز کار فردی و هم کار گروهی بهره برده باشیم، از استاد علی‌الشاوی تقاضا کردیم تا پژوهش همه همکاران خویش را مورد نقد و بررسی قرار دهد و سپس همه آن را بایک قلم به نگارش درآورد.

از خداوند خواستاریم همه تلاش‌های طاقت فرسایی را که برای به بار نشستن این پژوهش انجام شده است از ما بپذیرد و به این برادران عزیز توفیق خدمت هر چه بیش‌تر در زمینه‌های تاریخ اسلام، به‌ویژه قیام حسینی را عنایت فرماید.

کتاب حاضر بخش نخست پژوهش «با کاروان حسینی، از مدینه تا مدینه» است و مقطع اول از مقطع‌های ششگانه آن را تشکیل می‌دهد و شامل موضوع‌های زیر است: تاریخ دوران حضور امام حسین علیه السلام پس از شهادت امام حسن علیه السلام در مدینه، تاریخ سفر آن حضرت از مدینه به مکه مکرمه، پس از مرگ معاویه و تسلط یزید.

استاد علی‌الشاوی در گفتار نخست این کتاب یعنی «جریان نفاق... مطالعه‌ای در ماهیت و دستاوردها» کوشیده است تا در لابه لای تحولات بزرگی که از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تا سال شصتم هجری برافت اسلامی گذشته است، علاوه بر کشف حقایقی تازه، موضوع‌های زیر را مورد بحث و بررسی قرار دهد: منشأ پیدایش «ضعف روحی» و «دوگانگی» در شخصیت انسان مسلمان و عواملی که موجب شد تا این بیماری در جامعه

اسلامی تا آن جا اوج بگیرد که دل‌های مردم با حسین علیه السلام و شمشیرهایشان علیه او باشد. مؤلف در مقاله دوم پیش درآمد زیر عنوان «در پیشگاه شهید پیروز» کوشیده است تا نشان بدهد که شهید پیروز از ویژگی‌های حسینی است، علاوه بر آن تصویر روشنی از منطق ژرف نگری را در حرکت امام حسین علیه السلام روشن سازد و آن، منطق شهید فاتح است. منطقی که به ما امکان می‌دهد تا در پرتو آن از گفته‌ها و موضع‌گیری‌های امام، که در ظاهر برخی‌شان با یکدیگر در تعارض هستند، تفسیری یگانه، منسجم و درست ارائه دهیم.

همچنین مؤلف کوشیده است تا در این مقاله تصویری روشن از افق‌های پیروزی حسینی را در دوران قیام عاشورا و پس از آن تا دوران ظهور و در خود دوران ظهور نشان بدهد، چرا که تأکید دارد، قیام حضرت مهدی (عج) فصل پایانی قیام حسینی را تشکیل می‌دهد. وی در متن تاریخی «باب نخست» این پژوهش، کوشیده است تاریخ این دوره را مورد مطالعه‌ای انتقادی و تحلیلی قرار دهد و طی آن بر آنچه درست است تأکید ورزد، خطاها را تصحیح کند و نتایجی جدید بگیرد. این مبحث به چهار فصل زیر تقسیم شده است:

فصل اول - امام حسین علیه السلام پس از برادرش امام حسن علیه السلام.

فصل دوم - ویژگی‌های کلی روش امام حسین علیه السلام در دوران معاویه.

فصل سوم - داستان آغاز انقلاب.

فصل چهارم - آغاز سفر «پیروزی با شهادت».

تأمل در محتوای این کتاب نشان می‌دهد که این قراءت، دیدگاه‌های استدلالی نوینی به بار آورده است؛ و نفس روش مطالعه و ارتباط میان ابعاد آن تازگی دارد. با اطمینان می‌توان گفت که این کتاب از کتاب‌هایی که نخوانده به فرهنگ حسینی بی‌پیوندد نیست، بلکه کیفیتی تازه دارد و همگان را سودمند خواهد افتاد: ان شاء الله.

مرکز تحقیقات اسلامی

نماینده‌ی ولی فقیه در سپاه

## ... مقدمه

آیا پیرامون قیام امام حسین علیه السلام سخن تازه‌ای وجود دارد؟ به عبارت دیگر آیا تألیف این کتاب ضرورت دارد؟

در حالی که کتاب‌های تألیف شده و پژوهش‌های انجام گرفته پیرامون قیام و نهضت امام حسین علیه السلام و شهادت آن حضرت و یارانش و نیز درباره پیامدهای سیاسی، اجتماعی و ادبی انقلاب حسینی و ابعاد گوناگون این سیره مقدس و انقلاب یگانه و بی‌مانند - سوای نسخه‌های خطی فراوانی که جای آنها را کسی نمی‌داند و همچنان از دید اهل پژوهش پنهان مانده است و یا کتاب‌ها و مقاله‌های زیر چاپ و در دست تألیف - بر مبنای یک شمارش معجمی، به بیش از سه هزار تألیف می‌رسد، آیا باز هم موضوعی که پیشینیان به آن نپرداخته باشند باقی مانده است؟ و آیا این کتاب چیزی جدیدی دارد که در کتاب‌ها و پژوهش‌های مربوط به مکتب حسینی ارائه نشده باشد؟

پیش از پاسخ به پرسشی که در آغاز این مقدمه آمد و نیز پرسش‌های دیگری که در چارچوب آن جای می‌گیرند، یادآوری دو حقیقت مهم لازم است:

۱- همان طور که قرآن یعنی ثقل اکبر دارای منزلتی بلند و جایگاهی نیکوست، ثقل اصغر یعنی عترت نیز از همان منزلت برخوردار است. علی علیه السلام ما را به شناخت این حقیقت و درس گرفتن از آن فراخوانده می‌فرماید:

«... وَبَيَّنَّكُمْ عِثْرَةَ نَبِيِّكُمْ وَهُمْ أَرْمَتْهُ الْحَقُّ وَأَغْلَامُ الدِّينِ وَالسِّنَّةُ الصُّدْقِ قَانَزِلُوهُمْ بِأَحْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ وَرَدُّوهُمْ وَرُودَ الْهِمِ الْعَطَاشِ»<sup>۱</sup>

خاندان پیامبر شما در میانان است و آنان زمامداران حق و نشانه‌های دین و زبان‌های راست‌گویی‌اند. پس همچون قرآن، حرمت آنان را در دل نیکو بدارید و چونان شتران تشنه به [آب‌شخورهای دانش] آنان روی آورید.

بنابر این، خاندان پاک پیامبر ﷺ نیز درست از همان منزلت قرآن کریم برخوردارند؛ و این حقیقتی است که از حدیث شریف نقلین نیز قابل دریافت است.

رسول خدا ﷺ در بخشی از این حدیث شریف می‌فرماید: این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند، تا آن که کنار حوض بر من وارد شوند. آن حضرت با این سخن مفهوم جدایی‌ناپذیری را بیان می‌دارد و می‌فرماید که قرآن و عترت هم از نظر اوصاف و هم منزلت، جدایی‌ناپذیرند؛ چه اگر جز این باشد، مفهوم جدایی درباره آنها صدق می‌کند.

از این رو، همان طوری که قرآن کریم از مرتبه هدایت‌گری برخوردار است، «يَهْدِي لِأُمَّةٍ مِنْ أُمَّةٍ»<sup>۲</sup> امامان نیک سرشت نیز به درست‌ترین راه هدایت می‌کنند؛ و همان گونه‌ای که قرآن کریم در بلندترین مرتبه قرار دارد، «وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ»<sup>۳</sup>، مرتبه امام نیز در ام‌الکتاب، بلند و حکمت‌آمیز است؛ و به همین ترتیب در دیگر صفات و منزلت‌های قرآنی. از جمله مراتب قرآنی این است که همه تفسیرها از این کتاب شریف برگرفته شده‌اند، ولی همه آنها چیزی جز میزان گنجایش و مرتبه فهم و درک مفسران در برداشت از قرآن کریم نیستند.<sup>۴</sup>

قرآن کریم، موهبتی همگانی، ثروتی کامل و اقیانوسی است بیکران<sup>۵</sup> که نیازمندان به اندازه گنجایش و امکان خویش از آن بر می‌گیرند؛ و چنین است منزلت و مرتبه امام ﷺ.

۱- نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۱۲۰، خطبه ۸۷.

۲- قطعاً این قرآن به آیینی که خود پایدارتر است راه می‌نماید (اسرا (۱۷)، آیه ۹).

۳- و همانا که آن در کتاب اصلی [لوح محفوظ] به نزد ما سخت والا و پر حکمت است (زخرف (۴۳)، آیه ۴).

۴- مراد همه تفسیرهای دانشمندان اسلامی (جز از سوی امامان) است. گذشته از این، حتی تفسیرهای روایت شده از اهل بیت مانند نورالتقلین، برهان و صافی - در بهترین فرض - تنها بخشی از گفته‌های امامان در زمینه تفسیر قرآن است.

۵- تنها پیامبر ﷺ و خاندانش به همه قرآن اعطا شده‌اند؛ «قرآن را در نمی‌یابد، مگر کسی که مورد خطاب آن است.»



۲- یکی از عوامل روشنگر حقایق، «زمان» است، زیرا با گذر آن موانع شناخت و ایمان به حقایق برطرف می‌گردد. قرآن کریم به نقش گذر زمان در روشن ساختن حقایق از زبان مؤمن آل فرعون اشاره کرده است. وی هنگامی که مردم خویش را اسیر گمراهی فکری و معنوی دربار فرعون‌ی یافت، آنان را نصیحت کرد و چنین گفت:

«فَسْتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفِوضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»<sup>۱</sup>

پس به زودی آنچه را به شما می‌گویم به یاد خواهید آورد، و کارم را به خدا می‌سپارم، همانا خداوند به کار بندگان بیناست.

عبارت «فَسْتَذْكُرُونَ» (به زودی به یاد خواهید آورد) در آیه شریفه، اشاره به حصول این تذکار و یادآوری در آینده و پس از فراهم آمدن اسباب و زمینه‌های آن دارد؛ و این خود نشان تأثیر عامل زمان در کشف ابهام و پیچیدگی از سیمای حقایق و نیز تأثیر آن در رفع موانع از سر راه ایمان بدانها است.

امیرالمؤمنین، علی (علیه السلام)، نیز در بیانی کوتاه، به تأثیر عامل زمان در کشف حقایق و کنار زدن پرده‌های گمراهی فکری، سیاسی و روانی از روی آن می‌فرماید:

«عَدَا تَرَوْنَ أَثْبَابِي وَتُكْشَفُ لَكُمْ عَنْ سَرَائِرِي وَتَعْرِفُونَنِي بَعْدَ خُلُوهِ مَكَانِي وَ قِيَامِ غَيْرِي مَقَامِي».<sup>۲</sup>

فردا به یاد دوران من می‌افتید و اندیشه‌های پنهان من برایتان آشکار می‌گردد، و پس از تهی شدن جای من و برپا ایستادن دیگری در آن، مرا خواهید شناخت.

بنابر این گذر زمان یکی از عامل‌های مهم رفع موانع از شناخت حقیقت است؛ و فیلسوفان تاریخ بر این باورند که ارزیابی دقیق و شناخت هیچ کدام از پدیده‌های تاریخی در دوران خودشان امکان‌پذیر نیست.<sup>۳</sup>

۱- غافر (۴۰)، آیه ۴۴.

۲- نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۲۰۸، خطبه ۱۴۹.

۳- ر.ک. الملحمة الحسينية، ج ۲، ص ۲۰۳.

همین قاعده بر شخصیت‌های تاریخی نیز صدق می‌کند و بر آنان انطباق دارد. کم‌تر شخصیتی است که در دوران زندگانی خودش، آن چنان که شایسته است شناخته گردد، بلکه ابعاد وجودی‌اش پس از مرگ او و به تدریج شناخته می‌شود و ارزش واقعی عظمتش اندک اندک و ده‌ها سال پس از رفتن او از این دنیا آشکار می‌گردد.

این سوای نقشی است که گذر زمان در رشد و کمال خرد بشر دارد و در سایه کسب تجارب و مهارت‌های علمی و عملی و گسترش و ژرفا یافتن زمینه‌های نقد و پژوهش، آن را شایسته ادراک کامل‌تر حقایق می‌سازد.

مؤید این مطلب، سخن امام سجاد علیه السلام است که با اشاره به ژرفا یافتن ادراک بشری در گذر زمان، در پاسخ به پرسشی درباره توحید فرموده است:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَلِمَ أَنَّهُ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَقْوَامٌ مُتَعَقِّقُونَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَالْآيَاتِ مِنْ سُورَةِ الْحَدِيدِ إِلَى قَوْلِهِ: «وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» فَتَنَ رَامٌ وَرَاءَ ذَلِكَ فَقَدْ هَلَكَ»<sup>۱</sup>

خدای عزوجل [می] دانست که در آخر الزمان مردمانی ژرف‌اندیش خواهند بود، از این رو سوره «قل هو الله احد» و آیه‌های سوره حدید را تا «و هو علیم بذات الصدور» نازل فرمود؛ و هر کس در خداشناسی بالاتر از این را بجوید هلاکت یافته است.

این ژرف‌اندیشی، تنها به درک حقایق اعتقادی محدود نمی‌شود، بلکه هر حقیقتی که برای خرد انسانی قابل درک باشد، از جمله حقایق تاریخی را در بر می‌گیرد.

خلاصه این که همان طوری که در پژوهش‌های قرآنی پیوسته به مطالبی نو دست می‌یابیم در پژوهش‌های مربوط به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش نیز پیوسته به مطالبی تازه برمی‌خوریم و از آن جا که زمان عامل روشنگر حقایق و ظرف شکوفاسازی خرد بشری است و پیوسته بر ژرفای اندیشه او می‌افزاید، باب شناخت حقایق نیز بیش از پیش باز می‌شود. بنابر این با گذر زمان هر لحظه پدیده‌هایی جدید کشف و راه‌های نوینی برای گفتن سخنان تازه گشوده می‌شود.

با توجه به این دو حقیقت، حقایق دیگری نیز در ارتباط با زمینه بحث و خاستگاه‌های تحقیق و نظر و تفکر در تاریخ قیام امام حسین علیه السلام وجود دارد که برای نمونه به موارد زیر می‌توان اشاره کرد.

۱- در راستای تحقق قیام امام حسین علیه السلام عوامل گوناگونی نقش داشته است؛ مثل خودداری آن حضرت از بیعت با یزید، نامه‌های کوفیان؛ امر به معروف و نهی از منکر، و ایجاد اصلاح در امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، که موجب پیدایش دیدگاه‌های گوناگون درباره این قیام گشته است؛ زیرا برخی از کسانی که درباره تاریخ این نهضت اندیشه ورزیده و آن را مورد دقت و بررسی قرار داده‌اند، تنها به یکی از این عامل‌ها بسنده کرده‌اند. به هم آمیختن عامل‌های گوناگون نیز موجب تداخل و به هم آمیختگی تفسیر و تحلیل‌ها شده است؛ و آنچه ما در پی آن هستیم، [تلاش برای] دستیابی به کنه پدیده‌ای است که با وجود کوتاه بودن برهه تاریخی‌اش، حقیقتی بسیار ژرف دارد.

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که دیدگاه‌ها و تفسیرهای مربوط به قیام امام حسین علیه السلام، اغلب در یک جهت و در طول هم نیستند، حتی برخی از آنها تا سرحد تضاد با یکدیگر پیش می‌روند.

۲- بسیاری از کاستی‌هایی که در مباحث و پژوهش‌های مربوط به این قیام مقدس رخ می‌نماید، از آن جانشینی می‌شود که هر کدام از عوامل پیدایش آن به تنهایی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند؛ و در راستای برپایی نهضت چنان اهمیتی به آنها داده می‌شود که به واقع از آن برخوردار نیستند؛ مانند تأکیدی که گروهی از عالمان گذشته و معاصر بر عامل «نامه‌های کوفیان» کرده آن را سبب اصلی قیام امام حسین علیه السلام دانسته‌اند.

دیگر از عوامل قصور پژوهشگران این است که رویدادها و مسائل مربوط به قیام حسینی را به دور از اعتقاد صحیح درباره اصل امامت و لوازم آن و نیز ویژگی‌های شخصیت امام معصوم، بویژه آنچه به موضوع علم امام مربوط می‌شود و از آن مهم‌تر آنچه به آگاهی امام بر سرنوشت خویش ارتباط دارد، مورد بحث قرار داده‌اند.

از خلال نوشته‌های برخی عالمان گذشته شیعه چنین برمی‌آید که در تحلیل رویدادهای عاشورا بر این باور بوده‌اند که امام حسین علیه السلام از آینده و سرنوشت خویش

آگاهی نداشت و تنها در پاسخ نامه‌های فراوان اهل کوفه به سوی آنان رفت. او نیز مانند دیگر انسان‌ها بر پایه اجتهاد رفتار کرد؛ و خیانت مردم و خودداری پیروان حق از یاری وی و دیگر امور شگفت‌انگیزی که روی داد، در محاسبه اولیه آن حضرت گنجانیده نشده بود. بنابراین، آنچه روی داد مد نظر نبود و آنچه مد نظر بود روی نداد!

در این جا متن این تحلیل را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم:

سید مرتضی - اعلی الله مقامه - در این باره می‌گوید: این را دانستیم که هرگاه امام گمان قوی ببرد که با انجام کاری، به حق خویش می‌رسد و آنچه بر عهده اوست به پا می‌دارد، انجام آن کار بر او واجب می‌گردد، و اگر سختی و مشقتی داشته باشد که نوعاً قابل تحمل است، آن را تحمل می‌کند. سرور ما امام حسین علیه السلام نیز تنها هنگامی به کوفه رفت که از مردم عهد و پیمان گرفته بود و به دلخواه نه از سر اجبار و بی آن که وی از آنها تقاضایی کرده باشد و بدون مقدمه، خودشان به آن حضرت نامه نوشتند. در دوران معاویه، پس از صلح امام حسن علیه السلام، سران، بزرگان و قاریان کوفه با سید الشهدا مکاتبه کردند و آن حضرت نپذیرفت و آنچه را که واجب بود در پاسخشان نوشت. بار دیگر کوفیان، پس از وفات امام حسن علیه السلام مکاتبه کردند و چون روزگاری سخت و دشوار بود و در آن شرایط امکان قیام وجود نداشت، آن حضرت نیز تنها به دادن وعده بسنده کرد و آنان را امیدوار ساخت. پس از مرگ معاویه، بار دیگر مکاتبه آغاز گشت و کوفیان اظهار اطاعت می‌کردند و تقاضا و تمایل خویش را پی در پی ابراز می‌داشتند. امام علیه السلام نیز با مشاهده قدرت برتر آنان نسبت به یزید ملعون، گمان قوی برد که حرکت وی واجب است و آنچه انجام داد بر اثر اجتهاد و استدلال بر او متعین گشت، آن حضرت هیچ گاه فکر نمی‌کرد که مردم کوفه نسبت به وی خیانت کنند و پیروان حق دست از یاری او بردارند و آن امور شگفت‌انگیز رقم بخورد.<sup>۱</sup>

پیش از وی، استادش شیخ مفید (ره) در پاسخ به این پرسش که چرا امام حسین علیه السلام با وجود آگاهی از این که کوفیان نسبت به وی بی‌وفایی خواهند کرد و از یاری او دست

برخواهند داشت و در این سفر کشته خواهد شد، باز هم به سوی کوفیان حرکت کرد، گفته است: اما این که امام حسین علیه السلام نسبت به بی وفایی کوفیان آگاه بوده است، ما یقین نداریم؛ زیرا هیچ دلیل عقلی و نقلی ای برایش در دست نیست.<sup>۱</sup>

برخی نویسندگان معاصر، از جمله شیخ نعمت الله نجف آبادی، صاحب کتاب «شهید جاوید» نیز این نظریه را پذیرفته اند. منشأ این نظریه آن جاست که تصور می کنند مفهوم قیام با آگاهی به این که پایان آن کشته شدن است، خویشتن را به هلاکت افکندن است. یا این که آگاهی به کشته شدن، به معنای آگاهی به عدم تحقق هدف های قیام است و در چنین شرایطی، قیام بیهوده و خودکشی است؛ و همین امر پیروان این نظریه را واداشته تا بگویند که امام از سرنوشت خویش آگاه نبود.

بسیاری از دانشمندان این نظریه را رد کرده از جنبه های اعتقادی و تاریخی، مورد مناقشه قرار داده اند.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: بر ما روشن است که امام حسین علیه السلام از سرانجام کار خویش آگاه بود و وظیفه اش همان چیزی بود که انجام داد.<sup>۲</sup>

وی همچنین در رد نظریه یاد شده می گوید: شاید برخی از کسانی که به حقیقت شرف سعادت شهادت آگاهی ندارند بگویند که این کار عبادت خداوند محسوب نمی گردد. ولی آیا اینان قرآن کریم را نخوانده اند که گروهی با کشتن یکدیگر خدای را عبادت کرده اند:

«فَتَوْبُوا إِلَى بَارِيكُمْ فَاَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ»<sup>۳</sup>

پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید؛ [خطاکاران] خودتان را به قتل رسانید، که [این کار] نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است.

۱- المسائل العکبریه، ص ۶۹- ۷۱ مسأله بیستم. این در حالی است که شیخ مفید (ره) در کتاب «اوائل المقالات»، زیر عنوان «گفتار درباره علم ائمه علیهم السلام به امور قلبی و کاینات و قاتل شدن به این که آنان علم غیبیت دارند و علم غیب از صفات آنهاست» می گوید: من بر این باورم که امامان از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از قلب برخی مردم آگاه بودند و پیش از روی دادن امور، آنها را می دانستند (مصنفات الشیخ المفید، ج ۴، ص ۶۷).

۲- اللهوف، ص ۱۱.

۳- بقره (۲)، آیه ۵۴.

شاید اینان بر این باورند که معنای سخن خدای متعال، «وَلَا تَقْتُلُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» قتل است. در حالی که چنین نیست و عبادت خداوند به وسیله کشته شدن از بالاترین درجه‌های سعادت است.

همان طور که امام خمینی رحمه الله در تأکیدهای چندی با این نظریه مخالفت کرده است. مثل این سخنشان که می‌فرماید: «سید الشهداء به حسب روایات ما و به حسب عقاید ما، از آن وقتی که از مدینه حرکت کرد، می‌دانست که چپ دارد می‌کند، می‌دانست که شهید می‌شود.»<sup>۱</sup>

۳- اختلاف تنها به چارچوب تاریخ محدود نمی‌شود، بلکه دامنه‌اش به فقه نیز کشیده شده است. صاحب جواهر بر این باور است که امام حسین علیه السلام وظیفه خاصی داشت که آن را انجام داد و دیگران نمی‌توانند در این کار به وی تاسی بجویند. او می‌گوید: کاری که امام حسین علیه السلام انجام داد، با آن که از اسرار الهی و علوم مکنون است، تنها راهی بود که پیش روی آن حضرت قرار داشت. زیرا ایشان می‌دانست که در هر حال او را خواهند کشت. همان طوری که از ظاهر رفتار و حالاتشان و نیز کفر و عنادی که می‌ورزیدند نیز این سرانجام پیدا بود. شاید ده تنی<sup>۲</sup> که از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله اعزام شدند نیز چنین وضعیتی داشتند. علاوه بر این آن حضرت وظیفه داشت که دین جدش را حفظ کند و کفر [دشمنان] را برای مخالف و موافق بازگوید. گذشته از این او وظیفه خاصی داشت که بدان اقدام کرد و آن را به جای آورد. به گفتار و کردار امام معصوم نمی‌توان اعتراض کرد؛ و کسی را که وظیفه‌اش عمل به ظاهر دلایل و عموم و اطلاق آنها است و با مرجحات ظنی آن دلایل را بر یکدیگر ترجیح می‌دهد، نمی‌توان با امام قیاس کرد.<sup>۳</sup>

شماری دیگر از علما نیز بر همین باورند: مثل مامقانی، رجالی مشهور، در زندگی‌نامه عمرو بن جناده ۲۱ ساله، از یاران امام حسین علیه السلام.<sup>۴</sup>

۱- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۴۰. تأکیدهای دیگری نیز به همین مضمون و در همان مأخذ دیده می‌شود. ر.ک. ج ۱۷، ص ۵۸ و ج ۱، ص ۱۷۴.

۲- این ده تن که اصحاب رسول خدا (ص) بودند، که آنان را با گروهی از دو طایفه «عضل» و «قاره» همراه ساخت، ولی آنان بر سر «آب رجب» با کمک قبیله «حذیل» نسبت به آنها خیانت کردند. صحابه یاد شده نیز با آنان مبارزه کردند و تا آخرین نفر به شهادت رسیدند که داستان آن‌ها به طور مفصل در کتاب‌های تاریخی در ذیل حوادث سال چهارم هجری نقل شده است.

۳- جواهر الکلام، ج ۱، ص ۲۹۵-۲۹۶.

۴- تنقیح المقال، ج ۲، ص ۳۲۷.

علامه مجاهد، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء<sup>۱</sup> نیز در کتاب «جنة المأوی» در پاسخ به پرسشی که در این باره از وی شده همین دیدگاه را ابراز کرده است.<sup>۲</sup>

اما عالمان دیگر، دیدگاه‌هایی جز نظریه «تکلیف خاص» دارند؛ زیرا ایستادن قیام امام حسین<sup>علیه السلام</sup> را بر مبنای انطباقش بر موازین کلی شرعی تفسیر کرده‌اند. برای مثال محقق ثانی می‌گوید: درباره قیام امام حسین<sup>علیه السلام</sup>، ما نمی‌دانیم که آیا مصلحت در صلح و ترک قیام بود [یا نه]؟ شاید آن حضرت می‌دانست که اگر با یزید ملعون صلح کند، به پیمان خویش وفا نمی‌کند؛ یا این که جبهه حق چنان ناتوان می‌شود که کار بر مردم مشتبّه می‌گردد. گذشته از این، یزید به خلاف پدرش، معاویه، که اهل مدارا و تظاهر به اسلام بود، فردی بی بند و بار بود و با شعار دینی آشکارا مخالفت می‌ورزید. هیچ بعید نیست که امام<sup>علیه السلام</sup> در برابر چنین کسی جهاد را واجب ببیند، هر چند بداند که به شهادت خواهد رسید.<sup>۳</sup>

از دیگر عالمانی که با نظریه «تکلیف خاص» به مخالفت برخاسته‌اند، امام خمینی<sup>علیه السلام</sup> است که در نظریه فقهی‌اش، اولویت مصالح عالیه اسلام را مبنای قرار داده است؛ به این معنا که برخی مصالح عالیه اسلامی از چنان اهمیتی برخوردار است که قواعد دیگر همچون قاعده عسر و حرج و قاعده لا ضرر نمی‌تواند با آنها معارضه و مخالفت کند؛ و برخی موارد معروف یا منکر، و به تبع آن، دفع منکری بزرگ چون حکومت یزید، یا برپا داشتن معروفی چون استوار ساختن مبانی حکومت اسلامی، از بارزترین این مصداق‌ها می‌باشند. ایشان در این باره می‌فرماید: «اگر معروف و منکر از اموری باشد که شارع مقدس به آن اهمیت می‌دهد، مانند حفظ جان یک قبیله مسلمان، یا هتک نواامیس‌شان، یا محو آثار اسلام و محو دلیل آن که موجب گمراهی مسلمانان گردد؛ یا از بین بردن برخی شعارهای اسلامی، مانند بیت‌الله الحرام، به طوری که آثار و محل آن محو گردد؛ و مانند اینها، ناچار باید آن اهمیت در نظر گرفته شود.

مطلق ضرر ولو جانی با سختی [کار] موجب رفع تکلیف نیست. بنابراین چنانچه اقامه حجت‌های اسلامی که موجب از میان رفتن گمراهی می‌شود، بر بذل جان یا

۱- جنة المأوی، ص ۲۲۴-۲۲۵ و ۲۲۷.

۲- جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۳، ص ۴۶۷.

جان‌هایی متوقف باشد، گذشته از افتادن در ضرر یا دشواری پائین‌تر از آن - ظاهر و جوب آن است.<sup>۱</sup>

وی با اشاره به خطبه امام حسین (علیه السلام) در راه عراق، پس از برخورد با سپاه حر بن یزید ریاحی، آن‌جا که گفتار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را برای مردم یادآور شد که «هر کس سلطانی ستمگر را ببیند که حرام خدا را حلال می‌شمرد، پیمان خدا را می‌شکند، با سنت رسول خدا مخالفت می‌ورزد و در میان بندگان خدا با گناه کاری و ستمگری رفتار می‌کند؛ و او با گفتار و کردارش با وی مخالفت نورزد، بر خداوند است که او را در جایگاه همان ستمگر داخل کند»، می‌گوید:

امام (علیه السلام) این مطلب را در هنگامی بیان فرمود که خود با شماری اندک علیه یزید بن معاویه قیام کرده بود؛ و بدین وسیله می‌خواست راه هرگونه عذری را بر ما ببندد، مثل این که بگوئیم: شمار ما اندک است و نیروی ما کم است... این سخن سید الشهدا عمومی است و همگان را دربر می‌گیرد. عبارت «کسی که سلطانی ستمگر را ببیند» نشان آن است که هر کس سلطان جائری را با اوصاف یاد شده ببیند و در برابرش ساکت بنشیند و هیچ اقدامی علیه او نکند، جایگاه چنین انسانی، جایگاه همان سلطان ستمکار است.<sup>۲</sup>

ایشان در جایی دیگر می‌گوید: «عمل امام حسین (علیه السلام) دستور است برای همه».<sup>۳</sup>  
 شهید مرتضی مطهری معتقد است که این اعتقاد که قیام امام حسین (علیه السلام) بر اساس تکلیف خاص بود از جمله تحریف‌هایی است که نهضت حسینی دست خوش آن گشته است.<sup>۴</sup>  
 ۴- از دیگر نکات قابل توجه در تحقیق و پژوهش درباره نهضت حسینی - تا آن‌جا که ما جست و جو کرده‌ایم - این است که با وجودی که «تبلیغات» یکی از عامل‌های بسیار مهم این نهضت به شمار می‌آید، در هیچ یک از پژوهش‌هایی که تاکنون انجام پذیرفته است، به این عامل مهم توجهی نظام‌مند نشده است. نگاه‌های کم رنگ و پراکنده و نادری هم که در برخی از کتاب‌ها و پژوهش‌ها به چشم می‌خورد نمایانگر هیچ راه و روشی در بحث نیستند.

۱- تعریض السیله، امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۴۷۲، چاپ سوم، ۱۳۹۷ ه. ق، سؤال ۶؛ مسائل پس از آن نیز ملاحظه گردد.

۲- صحیفه نور، ج ۲، ص ۴۲.

۳- همان، ج ۱۰، ص ۳۱.

۴- حماسه حسینی (ترجمه عربی)، ج ۳، ص ۲۲۰.



تبلیغاتی که در جای جای وقایع نهضت حسینی دیده می‌شود و آنها را تفسیر می‌کند، شخص اندیشمند را به سوی شناخت هدف‌های اصلی و فرعی‌ای که امام علیه السلام برای تحقق آنها می‌کوشید رهنمون می‌گردد.

برای مثال، هنگامی که امام علیه السلام از ولید بن عتبّه، والی وقت مدینه، خواست که از ایشان در حضور همه مردم شهر بیعت بگیرد، چه هدفی را دنبال می‌کرد؟ هدف تبلیغاتی امام علیه السلام در خودداری از پیمودن راه فرعی مدینه - مکه چه بود؟ هدف تبلیغاتی امام از سخنرانی‌های مکرر و اشاره‌های پی در پی، مبنی بر این که او به زودی کشته خواهد شد چه بود؟ آن حضرت از همراه بردن زنان و کودکان در سفر شهادت چه هدفی را دنبال می‌کرد؟ هنگامی که در عصر تاسوعا از سپاه دشمن تقاضا کرد که تا صبح عاشورا به ایشان مهلت دهند، چه هدفی داشت؟ و پرسش‌های فراوان دیگری که در برابر دیدگان تأمل ورزنده در هدف‌های تبلیغاتی، در جزئیات رویدادهای نهضت حسینی خودنمایی می‌کند. ...

پی‌جویی آگاهانه، از منظر عامل تبلیغاتی، در اهداف نهفته در جزئیات رویدادهای این نهضت مقدس، معیار ارزشمندی را برای تفسیر تاریخی وقایع این حرکت بی‌مانند فراهم می‌آورد، چیزی که پیوسته و به‌طور آشکار جای آن در بررسی نهضت بی‌نظیر حسینی خالی مانده است.

آنچه گفته شد، تنها برخی از مشکلات بحث و بررسی موضوع قیام حسینی بود که برای پرهیز از درازگویی به همین اندازه بسنده می‌کنیم؛ و نمونه‌های دیگر آن را در خلال مباحث کتاب مورد اشاره قرائت خواهیم داد.

از لایلای مثال‌های ارائه شده، این حقیقت بر ما روشن می‌شود که میدان پژوهش در موضوع قیام امام حسین علیه السلام، به‌طور پیوسته و دائم، بحث و جست‌وجوی فراگیر و مفصل در جنبه‌های گوناگون موضوع همچون جنبه‌های فکری، سیاسی، اخلاقی، سازمانی، نظامی و جز آن را می‌طلبد.

نیاز به بحث درباره تاریخ نهضت حسینی تا پیدا شدن یک تئوری فراگیر که همه عامل‌های مؤثر در این قیام را چنان که باید جدی بگیرد و حق هر کدام از عوامل را چنان که شایسته است، بدون افراط و تفریط ادا نماید، همچنان باقی است.

تلاش شهید مرتضی مطهری در کتاب «حماسه حسینی» برای بر شمردن عوامل مؤثر در قیام سیدالشهدا بسیار ارزشمند است و جای سپاسگزاری دارد. این تلاش می‌تواند سرفصل روشنی برای یک تحقیق مفصل تاریخی در این موضوع باشد.

هرگاه میزان آگاهی اعتقادی، در راستای تفکر و استنباط فقهی موضوعی که از زمینه‌های اعتقادی و تاریخی برخوردار است، تأثیرگذار باشد، بسیار ضروری می‌نماید که عاشورا، در فقه نیز مورد بحث و پژوهش قرار گیرد. پژوهشی مفصل و ژرف از سوی یکایک فقیهان، یا در یک چارچوب جمعی، تا این که نتایج حاصل از آن، نظریه صائب را از میان آرای فقیهان گذشته و حال روشن سازد. یا آن که از این میان نظریه‌ای نوین کشف گردد.

ما همچنان نیازمند پژوهشی هستیم که ماهیت منطقی را که امام حسین علیه السلام، از آغاز نهضت تا هنگام شهادتشان، بر پایه آن رفتار کرد، کشف کند؛ منطقی که در چارچوب آن همه سخنان و موضع‌گیری‌هایی که گاه متعارض می‌نمایند، قابل تفسیر باشد. تفسیر یگانه و منسجمی که همه این سخنان و موضع‌گیری‌ها را به طور عمیق و در یک راستا در برگیرد. منطقی که در پرتو آن منافاتی که در ظاهر برخی رفتارهای امام علیه السلام همچون موارد زیر به چشم می‌خورد، منتفی گرداند:

- تلاش امام برای دستیابی به حکومت و آگاهی ایشان به قتل خویش.

- پاسخ گفتن ایشان به نامه‌های مردم کوفه و این سخن که «از عراق گریزی نیست».

- آگاهی ایشان بر این که مردم عراق به زودی او را رها خواهند کرد و خواهند کشت.

- اعتراف آن حضرت بر این که مشورت با عمرو بن لوذان، یک یا یکی از دیدگاه‌هایی بود که برای ایشان روشن بود؛ و این که مشورت عبدالرحمن از روی خیرخواهی و خردمندانه بود؛ و این که آنچه برادرش، محمد، بدان توصیه کرد درست بود.

- نادیده گرفته شدن همه این پیشنهادها و نظریه‌ها و مشورت‌ها به وسیله ایشان.

- نپذیرفتن یاری‌ای که هنگام رویارویی دو سپاه، پیوسته از سوی فرشتگان و جن‌ها به آن حضرت پیشنهاد می‌شد؛ و این فریاد ایشان که «آیا فریادرسی هست که به داد ما برسد؟» آیا کسی هست که به دفاع از حرم پیامبر صلی الله علیه و آله برخیزد؟

ما همچنان نیازمند پژوهشی هستیم که روش اخلاق الهی - انقلابی و موازین آن را بر

صفحه تاریخ روند حوادث انقلاب حسینی روشن سازد و زندگی، شکست و پیروزی، ذلت و عزت، ضعف و قوت و بدبختی و سعادت را در این قاموس بیابد.

ما همچنان نیازمند پژوهشی نظامی - تخصصی هستیم که از قلمرو تاریخ انقلاب حسینی، مسائل جدید بسیاری را در فن بسیج شهادت طلبانه در راه هدفی مقدس، فن طرح های جنگی فداکارانه و فن انتقال نیروی محاصره شده به زمین مورد دلخواه و امثال آن کشف کند.

ما همچنان نیازمند پژوهش هایی هستیم که در افق های عرفان عاشورا اوج بگیرد. در ادبیات این انقلاب همچنان نیازمند پژوهشیم. نیازها در یک یا دو مورد خلاصه نمی شود، بلکه در زمینه های گوناگون و از زوایای گوناگون، در این قیام جاوید به تحقیق و تفحص نیاز داریم. هرچند که از ماکاری جز به اندازه گنجایش و توانایی مان ساخته نیست، اما تا هنگامی که با گذشت زمان ژرف اندیشی، پژوهش و تحقیق شتاب می گیرد و تقویت می گردد؛ و درباره تاریخ این انقلاب مقدس خلأ و ابهام های پژوهشی احساس می شود، نیازهای یاد شده همچنان به قوت خود باقی هستند.

ما در این پی جویی تاریخی مدعی پرداختن به همه جنبه های جدید بحث نیستیم؛ و چنین کاری در توان ما هم نیست. ما مدعی نیستیم که پژوهش ما درباره انقلاب حسینی از هرگونه کاستی ای به دور است؛ زیرا نه دانش آن را داشته ایم و نه تجربه اش را؛ ما نمی گوییم که همه آنچه را که شایسته بوده است دیده ایم و به همه جنبه های موضوع پرداخته ایم، زیرا چنین کاری جز از امام معصوم ساخته نیست.

همه ادعای ما این است که تاریخ دوران امامت امام حسین علیه السلام و پس از آن را تا هنگام بازگشت کاروان حسینی به مدینه به رهبری امام سجاد علیه السلام، مورد مطالعه ای تحلیلی و انتقادی قرار داده ایم و طی آن کوشیده ایم تا جنبه های ناشناخته و پنهان و نیز موارد اوزشمندی را که تاکنون، چنان که باید، به ارزش آنها پی نبرده ایم و یا حقایقی را که در پس پرده های دروغ پنهان مانده است؛ و یا دروغ هایی را که لباس حقیقت پوشیده اند آشکار سازیم.

تلاش ما مطالعه نوینی است که طی آن در نقطه نقطه و جای جای حرکت کاروان حسینی از مدینه تا مدینه درنگ نموده همه مفاهیم والا و درس های آموزنده و پندهای شایان توجه و درخور اشاره اش را بازگو کرده است. هدف ما در این قراءت جدید این

بوده است که قراءت درستی را نشان بدهیم که ما را به سوی ربط دقیق و استنتاج درست و فراگیری مطلوب و ژرفای لازم رهنمون می‌گردد.

اما باید دید که تا چه اندازه به هدف‌هایمان رسیده‌ایم...

آنچه ما مدعی آن هستیم این است که این کتاب سخنی تازه دارد و کوششی تکراری در مکتب حسینی نیست... و این سخن تازه مورد نیاز است.

در آنچه به مقطع نخست بحث، یعنی بخش اول کتاب، مربوط می‌شود، بر خود لازم می‌دانم که مراتب سپاس و قدردانی‌ام را به همه برادران ایمانی، به ویژه پژوهشگران، خاصه آنهایی که از ملاحظه‌های سودمند و مساعدت‌های معنوی فراوانشان، به ویژه در زمینه دستیابی به منابع مورد نیاز بهره‌مند گردیده‌ام، تقدیم دارم. در این میان از برادر بزرگوار، پژوهشگر مرحوم، شیخ علی رئیس اشکنانی، باید تشکر کنم، که کتابخانه شخصی‌اش را در اختیار من گذاشت؛ وقت بسیاری را به من اختصاص داد و دشواری‌های طاقت‌فرسای این پژوهش مفصل را بر من آسان ساخت. اما مرگ (این جداکننده دوستان)، ما را در دوران تحقیق، گرفتار اندوه فقدان وی بر اثر یک حادثه اسفبار گردانید. خداوند او را مشمول رحمت واسعه خویش قرار دهد و با پیامبر گرامی ﷺ و خاندان پاکش محشور گرداند.

بار پروردگار! بر ما به دیده رحمت بنگر و از ما بپذیر و از ناتوانی و کوتاهی ما چشم‌پوش و از سر تقصیر ما درگذر و تلاش ما را بیهوده مگردان و به رحمت خویش ما را در زمره خادمان حسین علیه السلام قرار بده آمین.

علی الشاوی